



عضویت به مثابه سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه

مریم احمدپور *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ : تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

چکیده

هدف نوشتار حاضر، بررسی عضویت به مثابه سرمایه اجتماعی مبتنی بر خطب، حکم و نامه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌باشد. بر اساس تمهیدات نظری پی‌یر بوردیو به عنوان یکی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران در حوزه سرمایه اجتماعی و بررسی دقیق محتوای نهج البلاغه به عنوان گزیده‌ای استثنایی از بیانات حضرت (ع) و با استفاده از روش توصیفی و ابزار تحلیل محتوا (کاوش مضامین یا تحلیل مضمونی) به استخراج سه مقوله اصلی تحت عنوان عضویت فردی، عضویت اخلاقی و عضویت اجتماعی به عنوان زیرمجموعه‌های مقوله عضویت دست یافتیم. مقوله عضویت فردی در قالب مفاهیم «عدالت و مساوات»، مقوله عضویت اخلاقی در قالب مفاهیم «شناخت و علم، آگاهی و بصیرت» و مقوله عضویت اجتماعی در قالب مفاهیم «همبستگی، اتحاد و تعاون» تدوین شده‌اند. به این ترتیب، سرمایه اجتماعی مقوله‌ای محوری در نهج البلاغه به عنوان میراث گرانبهای حضرت علی (ع) است که عدل، معرفت و همکاری در چارچوب آن معنا می‌یابند و عضویت ابزاری در مسیر تعالی و صلاح امور فردی و اجتماعی است که سرمایه اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کلیدواژگان: عضویت، سرمایه اجتماعی، نهج البلاغه، حضرت علی (ع)

* دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی؛ ahmadpoor.maryam^{۶۲}@gmail.com



مقدمه

در دو دهه اخیر، سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از کانونی‌ترین مفاهیم ظهور و بروز یافته است (قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۳۶). امروزه در بررسی و تدوین شاخص‌های اجتماعی توسعه توسط سازمان‌های معتبر جهانی، سرمایه اجتماعی پایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است (پیراوری، ۱۳۸۸: ۱۰۹). سرمایه اجتماعی بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. سرمایه اجتماعی به زندگی فرد، معنا و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌سازد. «سرمایه اجتماعی» یک مفهوم چندوجهی و در عین حال یک مفهوم نامشخص با تعدادی از تعارف رقیب می‌باشد که یکی از پرمناقشه‌ترین موضوعات در بین اندیشمندان علوم اجتماعی در دهه‌های اخیر محسوب می‌گردد؛ اینکه سرمایه اجتماعی چیست؟ و چگونه مورد سنجش قرار می‌گیرد؟ (مختارپور و فرزانه، ۱۴۰۰: ۵۸). سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های موجود در سیستم‌های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه است که از تأثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی جامعه به‌دست می‌آید و دارای ویژگی‌هایی مانند اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی و احساس هویت جمعی و گروهی است (اخلاصی و فاتحی، ۱۳۹۱: ۱۴۸). سرمایه اجتماعی، تسهیل‌کننده روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که در برخوردهای انسانی و در قالب شبکه‌ها با استفاده از کیمیای اعتماد و صداقت پدید می‌آید (صادقی و مقصودی، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

از طرفی در دین مبین اسلام و مذهب تشیع، یکی از غنی‌ترین منابع جهت بومی‌سازی نظریه‌های تولیدی غرب و انطباق آنها با ارزش‌های اسلامی، کتاب گهربار نهج البلاغه است (حق‌گویان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲). نهج البلاغه، به‌عنوان مجموعه‌ای از سخنان امام علی (ع)، کتابی است چندبعدی که می‌تواند به عنوان کتاب حکمت و فلسفه عملی، کتاب اخلاق و تهذیب نفس، کتاب سیاست و حکمرانی، کتاب دینی و معنوی و حتی کتاب زندگی‌نامه امام علی (ع) در نظر گرفته شود. این کتاب به‌طور گسترده به تمامی ابعاد زندگی انسانی و اجتماعی پرداخته و برای هر کسی که در پی آگاهی، اخلاق، عدالت و رهبری عادلانه باشد، منبعی ارزشمند و الهام‌بخش به شمار می‌رود. در آموزه‌های امام (ع) نکات بسیاری در مورد سرمایه اجتماعی یافت می‌شود که استخراج آنها در تعاملات و روابط افراد می‌تواند بسیار راهگشا باشد. لذا سؤال اصلی که در این نوشتار مطرح است، این است که مفهوم سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه چگونه صورت‌بندی شده و چه مفاهیمی را در برمی‌گیرد؟



در خصوص پیشینه پژوهش در این زمینه می‌توان گفت حسینیان بنای یزدی (۱۳۹۲)، به بررسی سرمایه اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) می‌پردازد. وی ابتدا پیشینه نظری را مورد بررسی قرار می‌دهد و سرمایه اجتماعی را از دیدگاه صاحب‌نظران برجسته معرفی و تعریف می‌کند و سپس سطوح خرد، میانی و کلان و ابعاد ساختاری، هنجاری و شناختی و عناصر آن شامل آگاهی، اعتماد، مشارکت و مواردی از این قبیل را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه، پیشینه پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج کشور را با ذکر دستاوردهای هر یک بیان می‌کند. در بخش دوم با توجه به سخنان امام علی (ع) با رویکرد کلی مراجعه به نهج البلاغه و سایر منابع در برگیرنده فرمایشات امام (ع) از جمله غرر الحکم و درر الکلم به‌طور خاص، مفهوم سرمایه اجتماعی باز تعریف شده، ابعاد، عناصر و راههای افزایش آن در سطح فرد و جامعه و همچنین موانع شکل‌گیری آن و عوامل تضعیف‌کننده و حتی نابودکننده این نوع سرمایه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علیپوریانی و زارع (۱۳۹۹)، می‌نویسند سرمایه اجتماعی تحقق نمی‌یابد مگر با تجلی شاخص‌هایی چون اعتماد و پیوند نهادی میان افراد که حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است. لذا در این مقاله، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، اهمیت مشارکت اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی از منظر نهج البلاغه و تفسیر و تحلیل آن از دیدگاه امام علی (ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد. ردادی و مهام (۱۴۰۳)، سرمایه اجتماعی را از جمله مفاهیمی می‌دانند که برای بهبود و کارآمدی نظام سیاسی بسیار مؤثر است. وجود سرمایه اجتماعی باعث تسهیل برنامه‌های نظام سیاسی می‌شود. در این نوشتار تلاش شده سرمایه در نهج البلاغه بررسی شود. سؤال اصلی مقاله آن است که چه محتواهایی در نهج البلاغه وجود دارد که به بهبود و ارتقای سرمایه اجتماعی دلالت دارد؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا مفهوم مرکزی سرمایه اجتماعی بررسی شده و سپس با مراجعه به نهج البلاغه، مفاهیم و گزاره‌هایی که به این مفهوم مرکزی (همدلی) اشاره دارند، استخراج شده‌اند. هدف این نوشتار آن است که ضمن بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی، صورت-بندی‌ای از محتواهای مرتبط با سرمایه اجتماعی در اندیشه امام علی (ع) ارائه کند. در این مقاله از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که محتواهای مرتبط با سرمایه اجتماعی که به مفهوم همدلی میان مردم و حکومت اشاره دارد، در چهار دسته محتواهای مرتبط با همنشینی، سازگاری، پیوند دادن و ایجاد محبت قابل صورت‌بندی شده است. فاضلی کبریا (۱۳۹۱)، به بررسی مفاهیم و اصول اجتماعی نهج البلاغه امام علی (ع) و ارتباط آنها با مفاهیم اجتماعی و فلسفی می‌پردازد. این کتاب به‌ویژه از دیدگاه سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در جامعه‌شناسی، سیاست، اخلاق و روابط انسانی، مطالبی را استخراج کرده است. فاضلی



می‌نویسد: سرمایه اجتماعی در قالب اعتماد، همکاری و همبستگی اجتماعی، در شکل‌گیری جوامع قوی و پایدار نقش اساسی دارد. وی با استفاده از سخنان امام علی (ع) و خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه، به بررسی اهمیت این مفاهیم در تقویت سرمایه اجتماعی پرداخته است. برخی از این مفاهیم عبارتند از: اعتماد، عدالت، همبستگی و وحدت، نقش رهبران در ایجاد سرمایه اجتماعی، انتقاد از تبعیض و فساد. نویسنده به‌طور خاص پیشنهادهایی برای بهبود شرایط اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه ارائه می‌دهد. این پیشنهادات شامل ترویج اخلاق نیکو، افزایش تعاملات اجتماعی، برقراری عدالت و توجه به مسئولیت‌های اجتماعی می‌شود.

علینی و غفاری (۱۳۹۴)، در صددند تا روابط اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی را در نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار دهند. با استناد به خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی (ع) روابط اجتماعی در سطوح خرد و کلان به روش تحلیل محتوای کیفی مضمونی، در کلام امام (ع) بررسی شده است. در سطح خرد، رابطه خانواده، خویشاوندان، همسایه‌ها و دوستان که مفهوم سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است و در سطح کلان، روابط مسلمانان با یکدیگر و روابط زمامدار اسلامی با مسلمانان در جامعه اسلامی که به اعتماد فراگیر در سطح عمودی بین زمامدار و مردم و سطح افقی بین مردم با یکدیگر منتهی می‌شود، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. روابط این سطح در کلام امام علی (ع) با لحاظ همبستگی و همگرایی انسان‌ها بر اساس تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز، روابط گسترده انسان‌ها را با یکدیگر مطرح می‌کند که به تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی منجر می‌شود. حضرت (ع) با عنایت به اصل ایمان و حق‌طلبی در برقراری روابط اجتماعی، به روابط گرم، پیوسته و صمیمی تأکید دارد که به دور از منفعت‌طلبی و سودجویی‌های ابزاری و مادی به سرمایه اجتماعی گسترده منجر می‌شود که دستاوردهای آن شامل همه مؤمنان در جامعه اسلامی و همه انسان‌ها در جامعه بشری می‌گردد. بر اساس یافته‌های این بررسی، کلام و رهنمودهای امام (ع) خود سرمایه جاودانی است که از حیث گفتاری و کرداری می‌تواند تعیین‌کننده‌ای مهم برای حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی باشد.

در هیچ یک از تحقیقاتی که در مورد اشاره قرار گرفت، به بحث عضویت پرداخته نشده و از این جهت، نوشتار حاضر دارای نوآوری است و از زاویه‌ای بدیع به موضوع پرداخته است. در این پژوهش، از روش تحقیق توصیفی و ابزار تحلیل محتوا در راستای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در بین فنون تحلیل محتوای کیفی، تحلیل مقوله‌ای جایگاه ویژه‌ای دارد. از نظر زمانی، این تحلیل قدیمی‌ترین تحلیل است و از نظر عملی، از تحلیل‌هایی است که بیشترین استفاده را داشته



است. تحلیل مقوله‌ای بر پایه «عملیات برش»^۱ متن در واحدهای^۲ مشخص، سپس طبقه‌بندی^۳ این واحدها در مقوله‌هایی که بر حسب مشابهت گروه‌بندی شده‌اند، قرار دارد. در بین مقوله‌سازی‌های ممکن، از «کاوش مضامین»^۴ یا «تحلیل مضمونی»^۵ می‌توان نام برد که به سرعت انجام می‌گیرد و کارایی زیادی دارد، به شرطی که در مورد متن‌های واضح «معانی آشکار» و ساده به کار گرفته شود (باردن، ۱۳۷۵: ۱۸۱). در این پژوهش بعد از تحلیل آزمایشی قسمتی از متن، به این نتیجه رسیدیم که کارآمدترین واحد تحلیلی که قادر باشد ما را به اهداف پژوهش برساند و به سؤالات تحقیق پاسخ مقتضی ارائه دهد، استفاده از مضمون و جمله به‌عنوان واحد تحلیل است. بر همین مبنا، در این پژوهش با توجه به اهداف و سؤالات مطرح شده، کتاب نهج البلاغه به عنوان نمونه مورد تحلیل این تحقیق قرار گرفت. برای انجام تحلیل محتوا، ابتدا کتاب تهیه شد و سپس بر اساس اهداف و سؤالات تحقیق، مقوله‌هایی با توجه به ادبیات تحقیق تعریف شدند و در تحلیل کتاب در پی دست یافتن به آن مقوله‌ها بودیم. هر کدام از مقوله‌ها برای سهولت در کار، کدگذاری شد. در مرحله آخر نیز این اطلاعات به‌دست آمده دست‌بندی شدند. روش نمونه‌گیری نیز از نوع هدفمند بوده که در میان خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها گزینش انجام گرفته است.

۱. مبانی نظری

بورديو سرمایه اجتماعی را یکی از اشکال سرمایه می‌داند. سرمایه از نظر او سه شکل بنیادی دارد: «سرمایه اقتصادی» که قابلیت تبدیل شدن به پول را دارد و می‌تواند به شکل حقوق مالکیت، نهادینه شود. «سرمایه فرهنگی» که در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی مبدل می‌شود و به شکل کیفیت آموزشی نهادینه می‌گردد و «سرمایه اجتماعی» که از الزامات اجتماعی پیوندها ساخته شده و تحت برخی شرایط به سرمایه اقتصادی تبدیل می‌گردد. از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی موقعیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۱). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی، مجموع منابع مجازی یا واقعی است که به فرد یا گروهی، با توجه به مزیت در اختیار داشتن شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل تعلق می‌گیرد (Bourdieu, ۱۹۹۲: ۱۱۹). بورديو، جزو اولین محققانی است که به تحلیل سیستماتیک ویژگی‌های

۱. Operation de Decoupage

۲. Unites

۳. Classification

۴. Themes

۵. Analyse Thematique



سرمایه اجتماعی پرداخت. بر اساس تعریف وی، سرمایه اجتماعی، حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده میان افراد و به عبارت ساد هتر، عضویت در یک گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود شبکه پیوندها می باشد. در واقع، پیوندهای شبکه ای می بایست از نوع خاصی باشند؛ یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد. به اعتقاد بوردیو، سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه ای از روابط، یک ودیعه طبیعی یا یک ودیعه اجتماعی نیست، بلکه چیزی است که در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر وی، سرمایه اجتماعی، محصول نوعی سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت و بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند (Bourdieu, ۱۹۸۶: ۲۵۱).

۲. تحلیل و بررسی

سرمایه اجتماعی در نظریه بوردیو بر اساس عضویت و منابعی که زمینه این عضویت را فراهم می آورند و در قالب مفهوم همبستگی تدوین شده است و علی رغم مشابهت های مقوله سرمایه اجتماعی، تفاوت هایی با کلام امام علی (ع) دارد که عبارت است از اینکه این مفهوم در نهج البلاغه بیشتر حول مضامین مذهبی و اخلاقی و در قالب عضویت های فردی، اخلاقی و اجتماعی تدوین شده است. لذا در این پژوهش مقولات مربوط به سرمایه اجتماعی تحت عناوین عدالت، علم و همبستگی در چهارچوب زیر مطرح شده است:

۱-۲. عضویت فردی

در نهج البلاغه، مفاهیم عدالت و مساوات به عنوان اصول بنیادین در اداره جامعه اسلامی و رفتار فردی مطرح می شود. حضرت علی (ع) به ویژه در خطبه ها، نامه ها و حکمت ها، به طور مستمر به این مفاهیم پرداخته اند. در اینجا، به بررسی و تحلیل این مفاهیم و نحوه صورت بندی آنها در نهج البلاغه پرداخته می شود.

- عدالت

عدالت در نهج البلاغه مفهومی است که علاوه بر معنای حقوقی و قانونی، به عنوان یک اصل فردی و همچنین مرتبط با یگانگی خداوند و توحید در نظر گرفته می شود. حضرت علی (ع) به عدالت در روابط فردی و تأثیر آن بر روابط و پیوندهای اجتماعی تأکید نموده و آن را اساس حکومت و هدایت مردم به سوی صلاح و فلاح می داند. از منظر ایشان هر انسانی باید در رفتار خویش عدالت پیشه کند، در غیر این صورت عدالت خداوندی ایجاب می کند که عقوبت سختی



ببیند. یکی از راه‌های برقراری عدالت در جامعه انسانی از دیدگاه امام (ع) وجود حکومت است؛ چرا که کار مردم جز به شایستگی زمامداران سامان نمی‌یابد.

نمونه‌ها

حضرت (ع) در حکمت ۴۷۰ در توصیف خداوند به عنوان منبع همه عدالت‌ها اشاره می‌کند که توحید آن است که خدا را در وهم نیآوری و عدل آن است که او را بدان چه در خور نیست متهم نداری. همچنین ایشان در خطبه ۱۸۵ می‌فرماید: خدایی است که در وعده خویش راستگوست و بالاتر از آن است که به بندگان ستم کند و در میان آفریدگانش به عدل رفتار کرده و در حکم خویش با آنها دادگری کرده است. در خطبه ۱۷۸ نیز می‌فرماید: هرگز نعمت و رفاه زندگی از مردمی گرفته نشد، مگر به سبب گناهانی که مرتکب شدند؛ چرا که خداوند به بندگان ستم نمی‌کند. همچنین در خطبه ۱۹۱ اشاره می‌کند که خدایی که بردباری‌اش زیاد است و می‌بخشد و در آنچه حکم کرده، عدالت را رعایت نموده است. امام (ع) در حکمت ۲۳۱ در مورد این سخن خداوند متعال که فرمود: «خداوند شما را به عدل و احسان فرمان می‌دهد» می‌فرماید: عدل، انصاف دادن و ستم نکردن است و احسان جود و بخشش. در حکمت ۴۳۷ نیز از حضرت (ع) پرسیدند: دادگری بهتر است یا بخشندگی؟ فرمود: دادگری هر چیزی را در جای خویش قرار می‌دهد و بخشش آنها را از جای خود بیرون می‌کند و عدل نگهبان همه مردم است و بخشندگی به افراد مخصوص بهره می‌دهد. بنابراین عدل شریف‌تر و برتر است. و در حکمت ۲۲۴ می‌فرماید: با روش عدل دشمن شکست می‌یابد و از میان می‌رود. همچنین است در حکمت ۲۲۰ که می‌فرماید: قضاوتی که به حدس و گمان متکی باشد از روی عدل و داد نیست. در حکمت ۴۷۶ نیز می‌فرماید: عدل و دادگری را به کار بند و از زورگویی و ستمگری برحذر باش؛ زیرا زورگویی ملت را به جلای وطن و می‌دارد و ستم مردم را به قیام مسلحانه فرا می‌خواند. در خطبه ۲۱۶ می‌فرماید: در آن هنگام که مردم جامعه حق حاکم را ادا کردند و زمامدار نیز حق مردم را به آنان ادا کرد، حق در میان آنان عزیز گردد و مسیرهای روشن دین هموار و نشانه‌های عدالت معتدل و برپا و سنت‌ها در مجرای خود به جریان می‌افتند، در نتیجه زمان اصلاح می‌شود و بقای حکومت مورد امید و طمع و آز دشمنان از تسلط بر جامعه مأیوس و ساقط می‌گردد و در آن هنگام که رعیت بر حاکم غالب شود یا حاکم بر رعیت ظلم و تعدی روا دارد، کلمه جامع آن دو مختلف گردد و پراکندگی در جامعه نفوذ کند و علامت‌های ستم آشکار شود. در حکمت ۳۱ نیز می‌فرماید: ایمان چهار ستون دارد: صبر، یقین، عدل و جهاد، و عدل چهار قسمت می‌گردد: دقت در فهمیدن، رسیدن به حقیقت علم و زیبایی قضاوت‌ها و استوار شدن در بردباری، کسی که



فهمید، حقیقت علم را درک می‌کند و کسی که حقیقت دانش را درک کرد، از راههای بردباری وارد می‌شود و کسی که حلیم بود، در زندگی افراط نمی‌کند و در میان مردم، خوشنام زندگی می‌کند. در خطبه ۸۷ نیز می‌فرماید: از محبوب‌ترین بندگان خدا در پیشگاه ربوبی بنده‌ای است که خداوند او را در شناخت نفس خود و ساختن آن یاری فرماید، لباسی از اندوه بر تن نموده و پوشاکی از بیم بر خود پوشید ... از معدن دین خداوندی و مانند میخ‌های محکم از عوامل نگهدارنده ارزش‌ها در زمین اوست، خود را بر عدل و دادگری ملزم نموده و نخستین عدل وی درباره خویشتن، نفی هوی و امیال از نفس خود می‌باشد. در خطبه ۱۵ درباره زمین‌هایی که عثمان به اقطاع دیگران درآورده و آن حضرت علیه السلام زمین‌های مذکور را به مسلمانان برگردانیده فرمود: به خدا قسم، اگر آن مال را چنین می‌یافتم که به تحقیق با آن، زانی به عقد زناشویی درآمده و کنیزانی با آن خریداری شده بودند، باز هم هر آینه آن را به مسلمانان برمی‌گردانیدم، پس به راستی در عدل و دادگری وسعت و گشایش است و آن کس که اجرای عدالت، بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است. همچنین در خطبه ۲۰۹ می‌فرماید: خداوند بر پیشوایان عدالت مقرر فرموده که شأن و اندازه خود را در حد مردم ناتوان تنظیم نمایند تا فقر مستمندان را گرفتار درد و اندوه مهلک نسازد. در حکمت ۲۲ نیز بیان می‌کند که عدل، بهترین استوارکننده جوامع است و بدون عدالت، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به کمال برسد.

- مساوات

اصل مساوات از جمله دستوره‌های اسلام است و امام علی علیه السلام در تمام جنبه‌های زندگی، آن را به کار گرفته و همواره در تمام عملکردها به آن توجه داشته است؛ مانند: مساوات در برابر قانون، تقسیم بیت‌المال، مالیات‌های اسلامی، تحصیل علم، تصدی مشاغل و مناصب و ... مساوات، به‌ویژه در نهج *البلاغه* به‌عنوان یکی از ارکان اصلی عضویت فردی مطرح شده است. حضرت علیه السلام معتقد است که در نظام اسلامی، تمام انسان‌ها از یک درجه انسانی برخوردارند و هیچ کسی از دیگری به‌خاطر نژاد، طبقه یا هر ویژگی دیگری در حقوق انسانی برتر نیست.

نمونه‌ها

امام علی علیه السلام در نامه ۵۱ خطاب به کارگزارانش می‌فرماید: میان مردم و خودتان انصاف بورزید و به برآوردن نیازهای آنان تحمل نمایید؛ زیرا شما خزانه‌داران رعیت هستید و وکلای امت و سفیران پیشوایان. همچنین در نامه ۴۶ می‌فرماید: مابین همه افراد رعیت در نگاه گذرا و نگرش دقیق و اشاره و درود گفتن تساوی برقرار کن تا بزرگان طمع در ظلم تو نکنند و ناتوانان از دادگری تو مأیوس نشوند. در نامه ۵۳ نیز می‌فرماید: مابین خدا و مردم از یک طرف و نفس و



دودمان و هر کسی از رعیت که هوایی از او بر سر داری از طرف دیگر، انصاف برقرار کن، اگر انصاف برقرار نکنی ستم ورزیده‌ای.

به این ترتیب می‌بینیم که در نهج البلاغه، عدالت و مساوات نه تنها اصول بنیادین در اداره حکومتند، بلکه به‌عنوان معیارهایی مهم در روابط فردی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. حضرت (ع) به‌عنوان پیشوای اسلامی، همواره بر اهمیت برقراری عدالت و مساوات در تمام شئون زندگی و ایجاد جامعه‌ای برابر مبتنی بر کنشگری تأکید داشته و در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های خود نیز این مفاهیم را مداوم مورد بحث قرار می‌دهد.

۲-۲. عضویت اخلاقی

در نهج البلاغه، مفاهیم آگاهی، شناخت و بصیرت در قالب عمیق‌ترین و مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی، معرفتی و سیاسی حضرت (ع) بیان شده است. این مفاهیم در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها به شیوه‌هایی مختلفی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در ذیل، به تحلیل و بررسی این مفاهیم و نحوه صورت‌بندی آنها در نهج البلاغه می‌پردازیم:

- آگاهی

بدون تردید رسیدن به وضعیت مطلوب و ایده‌آل، بدون شناخت و آگاهی انسان به عنوان موضوع تربیت امکان‌پذیر نیست. از نظر امام علی (ع) خودسازی تنها فردگرایانه نیست، بلکه در ارتباط با دیگران نیز مطرح می‌شود. مقصود این نیست که هرگاه انسان بخواهد خود را بسازد و به اصلاح خویشتن خویش بپردازد، باید از اجتماع دوری گزیند و انزوا و گوشه‌نشینی اختیار کند. خودسازی به عنوان جهاد اکبر از وظایف مهمی است که هر فرد باید در حد وسع و توان خویش بکوشد تا عزت خود، خانواده و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند را اعتلا بخشد. خودسازی می‌تواند در ابعاد جسمی روحی فکری اخلاقی ایمانی و اعتقادی صورت پذیرد. برای وصول به مرحله خودسازی لازم است فرد ابتدا خود را در تمامی ابعاد وجودی بشناسد که ثمره آن معرفت الله است (حسنی، ۱۳۹۷: ۳۳). آگاهی در نهج البلاغه به معنای درک عمیق و صحیح از حقیقت است. حضرت (ع) در بسیاری از خطبه‌ها و حکمت‌ها به اهمیت آگاهی و شناخت دقیق از خود، خداوند و جهان اشاره کرده است:

ایشان در خطبه ۱۷۵ می‌فرماید: سوگند به خدا، اگر بخواهم می‌توانم هر کدام شما را از آغاز و پایان کارش و از تمام شئون زندگی، آگاه سازم، اما از آن می‌ترسم که با این‌گونه خبرها نسبت به رسول خدا (ص) کافر شوید. آگاه باشید که من این اسرار گرانبها را به یاران راز دار و مورد اطمینان خود می‌سپارم. سوگند به خدایی که محمد (ص) را به حق برانگیخت و او را برگزید، جز



به راستی سخن نگویم. پیامبر اسلام ﷺ همه اطلاعات را به من سپرده است و از محل هلاکت آن کس که هلاک می‌شود و جای نجات کسی که نجات می‌یابد، و پایان این حکومت، همه را به من خبر داده و مرا آگاهانده است. هیچ حادثه‌ای بر من نگذشت جز آنکه در گوشم نجوا کرد و مرا مطلع ساخت. ایشان در خطبه ۱۵۴ می‌فرماید: آنکه از روی آگاهی و علم عمل می‌کند، مانند رهروی است که در جاده روشن قدم برمی‌دارد، پس باید بنگرد که به پیش می‌رود یا به عقب برمی‌گردد. در خطبه ۱۷۳ نیز می‌فرماید: باب جنگ میان شما و اهل قبله باز شده است و این پرچم را بر دوش نکشد، مگر کسی که از بینش و شکیبایی و آگاهی به جایگاه‌های حق برخوردار باشد. در حکمت ۲۷۴ نیز آمده است: آگاهی خود را چهل و یقینتان را شک قرار ندهید، بنابراین هرگاه دانستید عمل کنید و هر وقت یقین کردید، اقدام نمایید.

- شناخت و علم

علم از مسائلی است که بشر به اقتضای حکمت خداوندی و برحسب فطرت حقیقت‌جو و کمال‌طلب خویش همواره به آن توجه داشته است (جناب‌زاده، ۱۴۰۰: ۳۳۲). امیرالمومنین (ع) نیز علم و حرکت در طریق آموزش را امری مهم و دارای ارزش و منزلت خاص دانسته و در بسیاری از سخنان گوه‌ربار خود در نهج/البلاغه به این مسئله اشاره نموده و همگان را به علم‌آموزی دلالت و ترغیب می‌نماید (تیموری و ظریف‌پور، ۱۴۰۱: ۱). شناخت و علم در نهج/البلاغه به عنوان عامل هدایتگر و رهایی‌دهنده از جهل و گمراهی معرفی شده و به معنای درک عمیق از واقعیات و شناخت صحیح از جهان و زندگی است:

نمونه‌ها

حضرت (ع) در خطبه ۹۱ می‌فرماید: بدان که راسخان در علم کسانی هستند که اقرارشان به ندانستن آنچه در پرده غیب است، آنها را بی‌نیاز کرده از کوشش برای گشودن درهای بسته عالم غیب، تا بدان چه در پس پرده مستور است، آگاه شوند. ایشان اعتراف می‌کنند که از دریافت آنچه در حیطه دانش‌شان نیست، عاجزند و خدای تعالی این اعتراف را ستوده است و بدین سبب، آنان را راسخان در علم نامیده‌اند.

در حکمت ۲۰۵ آمده است: هر ظرفی به آنچه در او گذاشته می‌شود تنگ می‌گردد، جز ظرف علم که هر چه به آن اضافه گردد پهناور می‌شود. در حکمت ۴۵۷ نیز آمده است: دو گرسنه‌اند که سیر نمی‌شوند: طالب علم و طالب دنیا. حکمت ۲۸۴ می‌فرماید: علم، عذر بهانه‌آوران و آنها که از مسئولیت‌شانه خالی می‌کنند را قطع کرده است. در حکمت ۱۴۷ آمده است: ای کمیل! آشنایی با علم دینی است که انسان به آن جزا داده می‌شود، به وسیله دانش انسان در دوران



حیاتش طاعت و بندگی خدا را به دست می آورد، و پس از مرگش ذکر خیری به جا گذارد. در حکمت ۱۴۷ نیز می فرماید: مال اندوزان با آنکه زنده اند مرده اند و اهل علم تا دنیا هست زنده اند. پیکره ایشان از میان می رود، اما یادشان در دل هاست.

- بصیرت

بصیرت، امری فراتر از رؤیت ظاهری است و آن عبارت است از ادراک حقایق و رؤیت اشیاء آن گونه که هستند. بصیرت در واقع، به ادراکات قلبی حاکی از حقیقت و قوه تمییز حق از باطل اطلاق می شود. این امر از طریق عبرت آموزی از براهین و حجت های آشکار الهی و نیز تدبیر و تفکر در آنها به وقوع می پیوندد (مصلایی پوریزدی، ۱۳۹۳: ۱۹۳). بصیرت در نهج البلاغه به معنای بینش و درک دقیق است که فراتر از دانش صرف می باشد. بصیرت، توانایی دیدن حقیقت در پس ظاهر امور است و فرد با بصیرت قادر است به عمق مسائل پی ببرد.

نمونه ها

در حکمت ۲۰۸ آمده است: هر که خوب بنگرد، حق را فهمید، و هر که حق را فهمید، دانشمند گردید. حضرت (علیه السلام) در خطبه ۱۷۳ نیز می فرماید: ای بندگان خدا! شما را به ترس از خدا سفارش می کنم و آن بهترین چیزی است که بندگان خدا باید یکدیگر را به آن سفارش کنند. بهترین کارها نزد خدا آن است که با پرهیزکاری انجام پذیرد. جنگ میان شما و اهل قبله آغاز شده است و این پرچم را حمل نتواند کرد، مگر کسی که بینا و شکیباً باشد و جای حق را بشناسد. به هر چه به آن مأمور شده اید، عمل کنید و از هر چه شما را نهی کرده اند، دست بردارید. در کاری شتاب مکنید، مگر آنگاه که به حقیقت آن آگاه گردید. بسا شما کاری را ناخوش دارید و رأی ما در آن چیز دیگر باشد. همچنین در خطبه ۹۳ به بصیرت در امور دینی و اجتماعی اشاره کرده و بیان می دارد که بصیرت انسان را از فریب ها و گمراهی ها می رهاوند: آگاه باشید! وحشتناک ترین فتنه ها برای شما از نظر من، فتنه بنی امیه است! چرا که فتنه ای است کور و تاریک و حکومت آن فراگیر است، ولی بلای آن ویژه گروه خاصی است، هر کس در آن فتنه بصیر و بینا باشد (و با آن به ستیز برخیزد) بلا دامن او را می گیرد. حضرت (علیه السلام) در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر تأکید می کند که حکمرانان باید از جهل و فساد دوری کنند و همواره در مسیر حقیقت قدم بردارند. برای حضرت علی (علیه السلام)، آگاهی و شناخت در نهایت به رشد روحی و اخلاقی فرد می انجامد و می تواند فرد را از غرور و تکبر دور کرده و به سمت تواضع و دلسوزی سوق دهد.

در واقع در نهج البلاغه، آگاهی، شناخت و بصیرت نه تنها به عنوان مفاهیم مستقل بلکه به عنوان اجزای اصلی در مسیر تکامل اخلاقی مطرح می شوند. حضرت (علیه السلام) این مفاهیم را به طور



مداوم در سخنان خود به‌ویژه در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها مطرح نموده و آنها را ابزارهایی ضروری برای رسیدن به حقیقت و رهبری صحیح می‌داند.

۲-۳. عضویت اجتماعی

در نهج البلاغه، مفاهیم همبستگی، تعاون، همکاری و اتحاد به عنوان اصولی اساسی در شکل‌دهی جامعه اسلامی مطرح شده است. حضرت (علیه السلام) در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها بر ضرورت همکاری و اتحاد بین مسلمانان تأکید کرده و این مفاهیم را به عنوان ابزارهای نجات و پیشرفت اجتماعی معرفی نموده است. این مفاهیم در نهج البلاغه بیشتر در زمینه‌های اجتماعی، دینی، سیاسی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است.

- همبستگی

از جمله آموزه‌های دین برای رسیدن جامعه به توسعه و پیشرفت، دستور به همبستگی اجتماع است. دین نه تنها انسان را به حضور در اجتماع دعوت می‌کند، بلکه اجتماع را به وحدت و همبستگی فرا می‌خواند. دین، افراد جامعه انسانی را همچون اعضای یک پیکر می‌داند که به هنگامه نیاز، به یکدیگر وابسته‌اند. جامعه دینی مجموع ای مرکب از انسان‌هایی است که اجزای آن به سبب ایمان با یکدیگر پیوند خورده، یکپارچگی و وحدتی تام یافته‌اند. در میان احکام اجتماعی اسلام، شاید کمتر حکمی را بتوان یافت که به اندازه همبستگی اجتماعی و گروهی مطرح شده باشد. همبستگی اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های ارتباط اجتماعی و مبنای کنش انسان‌ها به شمار می‌رود که عامل مهمی در زندگی اجتماعی بشر است و در متون دینی به‌ویژه قرآن کریم و نهج البلاغه در مورد آن مباحث زیادی مطرح شده است (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۲: ۱). همبستگی در نهج البلاغه مفهومی است که به‌ویژه در زمینه حمایت از یکدیگر، رعایت حقوق مشترک و تقویت رابطه‌های اجتماعی مؤمنانه مطرح شده و حضرت (علیه السلام) آن را در قالب پیوندهای مشترک و مسئولیت‌های جمعی در جهت حفظ نظم بیان می‌دارد.

نمونه‌ها

حضرت (علیه السلام) در خطبه ۱۷۶ می‌فرماید: از چنددستگی در دین حذر کنید که همبستگی در راه حق، گرچه کراهت داشته باشید، از پراکندگی در راه باطل، گرچه مورد علاقه شما باشد، بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را به تفرقه عطا نفرموده است. همچنین در خطبه ۱۵۱ می‌فرماید: از آنچه پیوند و همبستگی جماعت به آن گره خورده و ارکان اطاعت بر آن نباشد، جدا نشوید.

- تعاون

در نهج البلاغه فراوان به ضرورت زندگی اجتماعی و اجتماعی بودن انسان سفارش شده و همگان را به تعاون و همکاری فرا می خواند؛ زیرا به تنهایی نمی توان راه رشد و کمال را پیمود و همه نیازهای خود را تأمین کرد (معظمی گودرزی، ۱۴۰۱: ۴۳). حضرت (علیه السلام) در سخنان خویش به همکاری و کار جمعی در زمینه های دینی، اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد؛ که این همکاری ها نه تنها در زمینه های فردی، بلکه در مدیریت جامعه و پیشبرد اهداف سیاسی و دینی باید نهادینه گردد.

نمونه ها

حضرت (علیه السلام) در خطبه ۲۱۶ می فرماید: از حقوق واجب خداوند بر بندگان این است که یکدیگر را به مقدار توان اندرز دهند و حق را در میان خود بر پای دارند و در این کار به یکدیگر یاری رسانند. و کسی نیست که در گزاردن حق از یاری خدا بی نیاز باشد، هر چند، منزلت وی در حق بزرگتر بود یا فضیلتش در دین بیش از دیگران باشد آدمی هر چند، خرد و بی مقدار باشد و در دیده ها بی ارج آید، می تواند که دیگران را بر حق یاری دهد یا از دیگران یاری خواهد. در خطبه ۲۳ نیز می فرماید: ای گروه مردمان به درستی که مستغنی نمی شود مرد و اگر چه بوده باشد صاحب جاه و مال از قبیله خود و از رفع کردن ایشان مکروه را از او به دست های خود و زبان های خود و ایشان بزرگترین مردمانند از حیثیت حفظ و حمایت از پس او و جمع کننده ترین مردمانند مر کارهای پریشان او را، و مهربان ترین خلقند بر او هنگام فرود آمدن بلا اگر فرود آید به او، و زبان صدق و ذکر خیر که می گرداند خدای تعالی از برای مرد در میان مردمان بهتر است از برای او از مالی که ارث بگذارد آن را به غیر خود آگاه باشید باید میل نکند و عدول ننماید یکی از شما از خویش و قوم در حالتی که ببندد در او فقر و پریشانی از آنکه سد کند فقر آن را به مال زاید خود که افزون نمی گرداند او را اگر امساک کند و نگه دارد آن را، و کم نمی سازد اگر بذل نماید و اتفاق کند آن را، و هر که قبض و نگه دارد دست خود را از قبیله خود پس به درستی که نگه داشته می شود از جانب او از خویشان یکدست و فراهم گرفته می شود از جانب ایشان از او دست های بسیار، و هر که نرم باشد جانب او و خوش نفس باشد طلب دوام می کند از قوم خود محبت را.

- اتحاد (وحدت)

یکی از مفاهیم اساسی در کلام و اندیشه امام علی (علیه السلام) وحدت و اتحاد است؛ چنان که در نهج البلاغه به عزت و اقتدار امت اسلامی در سایه وحدت تأکید شده است (عظیمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۱۳). امام (علیه السلام) به عنوان مصلح از منادیان و طلایه داران اتحاد می باشد. او خود را شیفته و حریص ترین انسان نسبت به وحدت مسلمانان دانسته و یکی از علل ۲۵ سال سکوت خود در



برابر خلفا را حفظ وحدت اسلامی یاد نموده است. از سوی دیگر همه مسلمانان را به همسویی و همدلی فرا خوانده تا اتحاد نهادینه شده و شجره طیبه آن به بار بنشیند (انصاری مقدم و انصاری، ۱۳۷۹: ۱). اتحاد در نهج *البلاغه* به عنوان یکی از ارکان مهم برای حفظ قدرت و سلامت جامعه اسلامی معرفی شده و حضرت علیه السلام به وحدت در صفوف مسلمانان و پرهیز از تفرقه و اختلافات تأکید می‌کند و آن را عامل اصلی برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی می‌داند.

نمونه‌ها

حضرت علیه السلام در خطبه ۱۲۲ می‌فرماید: هر آینه ما با رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم و جنگ، هر آینه، بین پدران و فرزندان و برادران و خویشاوندان دور می‌زد. هر مصیبت و رنجی که پیش می‌آمد، جز بر ایمان ما و پای فشردن ما در راه حق و تسلیم بودن به فرمان او نمی‌افزود و بر سوزش جراحات، شکیبایی می‌ورزیدیم. ولی اکنون با برادران مسلمان خود می‌جنگیم، زیرا تمایل به کفر و کثی در اسلامشان راه یافته، گاه دستخوش شبهه می‌شوند و گاه تسلیم تأویل. اگر وسیله‌ای باشد که خداوند به سبب آن پراکندگی ما را به اتحاد بدل کند و ما با آنچه باقی می‌ماند کنار آییم و به یکدیگر نزدیک شویم، بدان وسیله رغبت کنیم و جز آن را فرو گذاریم.

به این ترتیب در نهج *البلاغه*، مفاهیم همبستگی، تعاون، همکاری و اتحاد نه تنها به عنوان اصول اجتماعی بلکه به عنوان رکن‌های اصلی برای تقویت جامعه اسلامی در ابعاد مختلف مطرح شده‌اند. حضرت علیه السلام معتقد است که بدون همکاری و همبستگی در جامعه، هیچ چیز نمی‌تواند مسلمانان را به سوی اهداف بلندشان رهنمون سازد. این مفاهیم در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های حضرت علیه السلام به طور پیوسته و مستمر تکرار شده و در آنها تأکید زیادی بر اهمیت اتحاد در برابر دشمنان و حمایت از یکدیگر در جهت تحقق عضویت اجتماعی شده است.

نتیجه‌گیری

مفهوم عضویت به مثابه سرمایه اجتماعی در نهج/البلاغه به‌طور ویژه در قالب سه مقوله فردی، اخلاقی و اجتماعی به‌عنوان ارکان اصلی سرمایه اجتماعی مطرح گردیده و در اندیشه‌ی امام علی علیه السلام به‌طور مؤثر و گسترده منعکس شده و به نوعی ارتباط تنگاتنگ با ایجاد همبستگی اجتماعی و تقویت پیوندهای میان افراد جامعه دارد. مفاهیم عضویت فردی مانند عدالت و مساوات، عضویت اخلاقی نظیر شناخت، آگاهی و بصیرت و عضویت اجتماعی از قبیل همبستگی، اتحاد و تعاون، همگی عواملی هستند که در تقویت سرمایه اجتماعی و تداوم انسجام و هم‌افزایی میان اعضای جامعه نقش کلیدی ایفا می‌کنند. در نتیجه، این پژوهش بر اهمیت جایگاه عدالت، آگاهی و وحدت در ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی تأکید دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع معتبر برای تحلیل و فهم روابط اجتماعی در جوامع معاصر نیز مورد استفاده قرار گیرد.



فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اخلاصی، ابراهیم؛ فاتحی، ابوالقاسم، «عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی» (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دختر پیش دانشگاهی شهر شیراز)، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۱۴، ۱۳۹۱.
۲. انصاری مقدم، علیرضا؛ انصاری، زهرا، «وحدت ملی در گفتار و سیره امام علی (ع)»، *فرهنگ کوثر*، ش ۴۸، ۱۳۷۹.
۳. باردن، لورنس، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.
۴. بوردیو، پی‌یر، *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار، ۱۳۸۰.
۵. پیراهری، نیر، «سرمایه اجتماعی در نظریات جدید»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، س ۳، ش ۳، ۱۳۸۸.
۶. تیموری، زهرا؛ ظریف‌پور، فاطمه، «تبیین علم و دانش در نهج البلاغه و بررسی جایگاه آن در جامعه»، *نهمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت*، ۱۴۰۱.
۷. جناب زاده، سعیده، «جایگاه علم و عالم در نهج البلاغه»، *علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم*، دوره ۲، ش ۳، ۱۴۰۰.
۸. حسنی، حسین، «خودشناسی و خودسازی از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه»، *قرآن و عترت*، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۷.
۹. حسینیان بنای یزدی، سیدحسن، «سرمایه اجتماعی در کلام امام علی (ع)»، *پایان‌نامه*، استاد راهنما سیدکاظم طباطبایی و غلامرضا صدیق اورعی، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۲.
۱۰. حق‌گویان، زلفا و دیگران، «بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در سازمان امور مالیاتی استان قم» (چارچوبی برگرفته از نامه ۳۵ نهج البلاغه)، *مدیریت سرمایه اجتماعی*، دوره ۱، ش ۱، ۱۳۹۳.
۱۱. ردادی، محسن؛ مهام، محمود، «نظریه الفت: صورت‌بندی سرمایه اجتماعی بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه»، *دانش سیاسی*، س ۲۰، ش ۱، پیاپی ۳۹، ۱۴۰۳.
۱۲. صادقی، مهدی؛ مقصودی، حمیدرضا، «سنجش سرمایه اجتماعی استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی»، *دانش سیاسی*، س ۶، ش ۲، ۱۳۸۹.
۱۳. عظیمی، امیر و دیگران، «حوزه معنایی «وحدت» در نهج البلاغه»، *کتاب قیّم*، دوره ۱۲، ش ۲۶، ۱۴۰۱.
۱۴. علیپوریانی، طهماسب؛ زارع، سارا، «مشارکت به مثابه سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه»، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، س ۱۹، ش ۶۶، ۱۳۹۹.



۱۵. علینی، محمد؛ غفاری، غلامرضا، «تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی (ع)، اسلام و مطالعات اجتماعی، س ۲، ش ۴، ۱۳۹۴.
۱۶. فاضلی کبریا، حامد، سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱.
۱۷. قاسمی، حاکم و دیگران، «راهبردهایی جهت بهبود سرمایه اجتماعی در ایران: رویکردی آینده‌پژوهانه با کاربست روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها»، علوم مدیریت ایران، س ۱۶، ش ۶۳، ۱۴۰۰.
۱۸. مختارپور، مهدی؛ فرزانه، پروین، «مدل‌سازی رابطه علت و معلولی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی»، صیانت فرهنگی و سرمایه اجتماعی، س ۱، ش ۱، ۱۴۰۰.
۱۹. مصلائی پوریزدی، عباس، «معناشناسی بصیرت در نهج البلاغه»، کتاب قییم، دوره ۴، ۱۳۹۳.
۲۰. معظمی گودرزی، علی، «اصول و مبانی زندگی اجتماعی سالم از دیدگاه نهج البلاغه و آثار مطلوب آن در جامعه»، رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، س ۴، ش ۱۰، ۱۴۰۱.
۲۱. نیازی، محسن؛ کارکنان نصرآبادی، محمد، «بررسی جامعه‌شناختی نقش انسجام و همبستگی اجتماعی در توسعه اسلامی ایرانی در نهج البلاغه»، سومین کنگره پیشگامان پیشرفت، ۱۳۹۲.

منابع انگلیسی

۱. Bourdieu, Pierre (۱۹۹۲) *An Invitation to Reflexive Sociology*, University of Chicago Press and Polity Press.
۲. Bourdieu, Pierre (۱۹۸۶) "The Forms of Capital", in J. G. Richardson (ed), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York, London, Greenwood press.